

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شعار "خلافت را برگردانید"، جز لاینفک جنبش بزرگ و تاریخی مسلمانان اندونیزیا است

(ترجمه)



رژیم سیکولر اندونیزیا به تاریخ ۱۹ جون ۲۰۱۷م تصمیم گرفت تا جواز حزب التحریر-اندونیزیا را لغو کرده و از حمل دعوت اسلامی توسط این حزب مانع شود؛ تنها به این بهانه که این حزب برای تأسیس خلافت کار کرده است و هنوز هم کار می‌کند و این‌که این دولت نشنلیستی را تهدید کرده و آن را از صحنه وجود برمی‌اندازد. با این حال، تلاش‌های‌شان برای جرم شناختن خلافت به عنوان بخشی از اسلام، ناکام شده است؛ بخاطری‌که مفکوره خلافت برای قرن‌ها در میان امت گسترش یافته است و آن‌ها یقین دارند که این جزء جدانشدنی از دین‌شان است.

همان‌طور که در وبسایت "Seraamedia.org" نوشته شده، تلاش برای تأسیس خلافت مخصوصاً در بین سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷م، جزء لاینفک تاریخ بزرگ ملت اندونیزیا بود. بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که بعد از سقوط خلافت عثمانی، حرکت‌های زیادی اسلامی پیا خاسته و سعی کردند تا خلافت اسلامی را در همان زمان، دوباره تأسیس کنند؛ به طور نمونه: می‌توانیم از "تجوکروامینوتو"، "آگوس سلیم"، "فخرالدین" و "مس منصور" نام ببریم. آنان تنها قهرمانان مردمی نبوده، بلکه دست‌اندرکاران اصلی و مهم جنبش‌های تأسیس خلافت در آن زمان هستند. به طور مثال: جنبش "خلافت را برگردانید"، حتی از اوایل قرن بیستم در اندونیزیا شروع شد.

هم‌چنان، حقیقت سعی و تلاش مسلمانان اندونیزیا را برای تأسیس خلافت تاریخ‌نگاران نیز ثبت کرده‌اند. دیلایر نوئر استاد دانشگاه کورنیل در سال ۱۹۶۲م در مقاله‌اش تحت عنوان "جدیدترین جنبش اسلامی در اندونیزیا در بین سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۴۲م نوشت که: «مسلمانان اندونیزیا نه تنها به موضوع خلافت علاقه‌مند اند، بلکه برای بحث و کاوش درباره رامحل نیز خود را مکلف احساس می‌کنند.» این مطلب، بار دیگر توسط یک مستشرق هالندی بنام "مارتین ون بروینزین" در یک رساله علمی‌اش تحت عنوان "مسلمانان جنوب‌شرق آسیا و موضوع خلافت" مطرح گردید. خلافت عثمانی-که افولش با فتوای مفتی‌های الازهر برای انتخاب یک خلیفه جدید و غلبه ابن سعود بر حجاز همراه بود- در آن زمان اشتیاق بیش از حدی را از جانب مسلمانان اندونیزیا بدست آورد؛ طوری‌که منتج به ایجاد یک جنبش عظیم خلافت‌خواهی در اندونیزیا شد.

عکس‌العمل مسلمانان در آن زمان طبیعی بود، چون خلافت اسلامی برای بیش از چهار قرن جزء تمدن و زندگی مردم اندونیزیا شده بود. طوری‌که تطبیق اسلام برای قرن‌ها، پیش از ورود مصیبت‌آور استعمارگران اروپایی به سرزمین مسلمانان نوشتاراً

بر مجمع‌الجزایر حاکم بود. دایرةالمعارف جهان اسلام، که توسط اختیار بارو ون هوف به نشر رسید، در مجلد جنوب شرق آسیا تذکر می‌دهد که در دوره اسلام، این مجمع‌الجزایر در واقع یک عصر طلایی را تجربه کرده‌است. قرون شانزدهم تا هجدهم در این جزایر به عنوان عصر طلایی سلطنت اسلامی شناخته می‌شد، طوری که نه تنها در این جزایر، بلکه در تمام قلمرو اسلام، رفاه و سعادت فراهم بود.

سپس استعمارگران اروپایی (پرتگال، اسپانیا، هلند و انگلیس) آمدند و یک ضربه مخرب را بر اسلام در این جزایر وارد کردند. این دوره، دوره تنزل و زوال مسلمانان در این مجمع‌الجزایر می‌باشد که در نتیجه نفوذ غرب استعمارگر، از اواخر قرن هجدهم شروع شد. اقتصاد پیشرفته دوران اسلام در این منطقه، پس از نفوذ این استعمارگران به رکود مواجه شد. سیاست اقتصادی این استعمارگران رکود اقتصادی را به اندازه‌ای رساند که مناطق مستعمره‌ای را که مناطق تاریک می‌نامیدند، بر علاوه تحمیل حق انحصار برای تجارت، به زوال و تباهی وضعیت مردم بیشتر نیز دامن زد و در صحنه سیاست نیز استعمار باعث تخریب اکثر ساختارهای سیاسی بجا مانده از دوران حاکمیت اسلامی شد.

بناءً کمپاین "خلافت را برگردانید" یک بخش جدایی ناپذیر از مسلمانان اندونیزیا و مالیزیا در سراسر سرزمین نونستارا به حساب می‌آید. خلافت به صورت تاریخی ثابت کرده‌است که می‌تواند یک عصر طلایی را در این منطقه ایجاد کند و این که استعمار نوین دموکراسی را بیرون براند؛ استعماری که سبب تطبیق طرح دولت-ملت و تقسیم مسلمانان جهان شده‌است. بنابر این، خلافت جزایر جنوبی فیلیپین را همراه قلمروش در اندونیزیا و مالیزیا و تمام سرزمین‌های اسلامی در سراسر جهان، یکجا خواهد کرد. همچنان، خلافت سرزمین‌های مسلمانان را مثل: مینداناو، سولو، میانمار، سوریه و افریقای مرکزی آزاد خواهد کرد و یک سپر حقیقی برای حفظ عزت مسلمانان، بخصوص زنان و اطفال در تمام اطراف و اکناف جهان خواهد بود. بخاطر بیاورید که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«تَكُونُ النَّبُوءُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةُ عَلِيٍّ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ مَلِكًا عَاصِيًا، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةَ عَلِيٍّ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ، ثُمَّ تَكُونُ مَلِكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةَ عَلِيٍّ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ، ثُمَّ تَكُونُ مَلِكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةَ عَلِيٍّ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ، ثُمَّ تَكُونُ مَلِكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا.»

(رواه احمد)

ترجمه: تا منتهی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، در میان شما نبوت و پیامبری باقی خواهد ماند، و هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواست، آن را از میان بر می‌دارد و بعد از آن خلافت بر روش و منهاج نبوت خواهد بود، و آن تا هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواسته باشد، ادامه می‌یابد، سپس وقتی الله (سبحانه و تعالی) خواست، آن را برداشته پادشاهی با دندان گیرنده می‌آید، و آن تا وقتی الله (سبحانه و تعالی) خواسته باشد، دوام می‌کند، سپس هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواست، آن را برداشته، پادشاهی جبر و ستم خواهد آمد، و تا وقتی الله (سبحانه و تعالی) خواست، دوام می‌یابد، بعد از آن هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواست، آن را دور کرده و بار دیگر خلافت بر روش و منهاج نبوت قائم خواهد شد و سپس سکوت نمودند.

نویسنده: فیکا کومارا

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۲۷ رجب ۱۴۳۹ هـ.ق

۱۵ اپریل ۲۰۱۸ م